سپهر غرب روزنامه صبح غرب کشور

روزنامه صبح غرب کشور
صاحب امتیاز: مسعود جواندل | سردبیر: زهره پوروهابی
چاپ: پیام رسانه | نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزیان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۳۱۳۳۰ - ۰۸۱ | امور مشترکین: ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴
صاحب امتیاز روزنامه: ۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴۱ | آگهی‌ها: ۳۸۲۵۴۰۴۰ - ۰۸۱
پیامک: ۳۰۰۰۱۸۱۸۶۰ | ارتباط با تحریریه: ۳۸۲۷۲۹۳۹ - ۰۸۱ | دورنما: ۳۸۲۸۱۸۴۹-۰۸۱
گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان

دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۴
سال هفدهم | شماره ۳۱۵۷

امام علی علیه‌السلام فرمودند: دانش، میراثی است گرانمایه و آداب، زیورهایی نو به نو و اندیشه، آینه‌ای صافی است.

sepehrgharb.news Email: sepehrgharb.news@gmail.com www.sepehrgharb.ir

نمایندگی‌های سپهرغرب در استان‌ها
محمدسعید کناریوند (ایلام): ۰۹۱۲ ۹۲۵ ۹۴۷۸
فرزاد منتی (کرمانشاه): ۰۹۱۸ ۱۳۰ ۲۷۲۹
شیرین مرادی (کردستان): ۰۹۱۸ ۸۷۷ ۶۹۸۴
مبینا یاحقی (مرکزی): ۰۹۹۰ ۱۷۹ ۴۹۰۹

یک پژوهشگر دینی عنوان کرد:

ایجاد آرامش در قلب آدمی، ثمره اتصال به خداوند

سپهرغرب، گروه مشکات – ملیکا قانعی: یک پژوهشگر دینی عنوان کرد: وجود آرامش حقیقی در دل آدمی ثمره ایمان، شناخت و اتصال قلب به خداوند است.

آرامش هم می‌تواند جنبه احساسی داشته باشد و هم می‌تواند محصول یک فرآیند معرفتی باشد. گاهی انسان دچار هیجانات زودگذر می‌شود؛ برای مثال در مواجهه با یک حادثه، تصادف یا بحران، واکنش‌های هیجانی از خود بروز می‌دهد. در اینجا نیاز داشتن به آرامش، به معنای خونسردی و تسلط بر نفس، کاملاً مشهود است، اما در سطحی عمیق‌تر وجود آرامش حقیقی در دل آدمی، ثمره ایمان، شناخت و اتصال قلب به خداوند است؛ حسی که با ذکر الهی، اعتماد به مشیت خدا و باور به حکمت او، حاصل می‌شود.

آرامش، یکی از عمیق‌ترین و اصیل‌ترین نیازهای روح انسان است؛ نیازی که فراتر از آسایش ظاهری، به ساحتی درونی و الهی تعلق دارد. در جهانی آکنده از هیاهو، نگرانی و تلاطم‌های بیرونی، آنچه انسان را از اضطراب، ناامیدی و پریشانی نجات می‌دهد، آرامشی است که ریشه در ایمان، معرفت و اتصال به منبع مطلق هستی دارد. قرآن کریم، این کتاب هدایت و نور، آرامش را نه امری سطحی و گذرا، بلکه میوه‌ای شیرین از درخت ایمان، توکل، ذکر، صبر و تسلیم می‌داند.

در قرآن آرامش نه‌تنها به‌عنوان یک احساس روانی، بلکه به‌عنوان ثمره یک فرآیند شناختی و ایمانی معرفی شده است. فرآیندی که با یاد خدا آغاز می‌شود؛ در آیه ۲۸ سوره رعد آمده است: آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

در این نگاه، ذکر خداوند تنها تکرار لفظی نیست، بلکه حضور دائم قلب در برابر عظمت الهی و سپردن دل به قدرت، علم و رحمت او است. این آرامش، انسان را در برابر سختی‌های زندگی مقاوم می‌کند، به او امید، ثبات قدم و رضایت باطنی می‌بخشد و از او موجودی هدفمند، متعادل و خویشتن‌دار می‌سازد.

قرآن با بهره‌گیری از مفاهیمی همچون سکینه، طمأنینه، صبر، توکل، ذکر، خشوع و رضایت، ابعاد گوناگون آرامش را تبیین می‌کند؛ گاه از آرامش پیامبر در دل تهدید می‌گوید، گاه از سکینه‌ای که بر مؤمنان نازل می‌شود و گاه از قلبی که در پرتو یاد خدا و عمل صالح، قرار و اطمینان می‌یابد. از این منظر، آرامش موهبت خداوندی است که به قلب‌های پاک و جان‌های صابر و ذاکر عطا می‌شود؛ آرامشی ژرف که از اتصال به ملکوت و قطع تعلق از آشوب‌های فانی دنیا سرچشمه می‌گیرد.

در همین راستا خبرنگار روزنامه سپهرغرب با محمود صلواتی، پژوهشگر دینی با سبقه دیرین و درخشان در حوزه قرآنی درخصوص آرامش از نگاه قرآن مصاحبه‌ای صورت داده است. در این گفت‌وگو بر آنیم تا با تکیه بر آیات الهی و تدبر در مفاهیم بلند قرآن، جلوه‌های گوناگون آرامش را در حیات فردی و اجتماعی انسان واکاوی و راه‌های نیل به آن را از نگاه وحی بررسی کنیم که در ادامه می‌خوانید:

■ آقای صلواتی لطفاً در ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

اینجانب محمود صلواتی، متولد سال ۱۳۳۲، از طلاب حوزه علمیه قم هستم. از سال‌های آغازین زندگی مسیر تحصیل را در پیش گرفتم و سال‌هایی از عمرم را در شهر مقدس قم به تحصیل علوم دینی سپری کردم. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی به‌عنوان زندانی سیاسی در زندان به‌سر بردم؛ پس از انقلاب در حوزه‌های مختلف ازجمله تأسیس مدارسی در راستای تربیت طلاب علوم دینی، فعالیت داشته‌ام.

درحال حاضر عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم هستم. در حوزه تألیف نیز فعالیت‌هایی داشته‌ام؛ ازجمله ترجمه قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و کتاب نهج‌البادی که مجموعه‌ای از دعاهای امام سجاد علیه‌السلام است. اخیراً نیز مفاتیح‌الجنان را ترجمه کرده‌ام که تمام این آثار به‌صورت آهنگین و موزون ترجمه شده‌اند، چراکه معتقدم ادبیات دینی ما سرشار از زیبایی و وزن ادبی است و باید این ویژگی‌های هنری در ترجمه نیز منعکس شود.

همچنین در حوزه فقه، مسائل اجتماعی، معارف معنوی، تفسیر دعاهای ماه مبارک رمضان و شرح دعای ابوحمزه ثمالی نیز تألیفاتی داشته‌ام؛ بیشتر فعالیت‌هایم بر تحقیق، تألیف و نویسندگی متمرکز بوده و در خدمت پژوهش‌های علمی و دینی هستم.

■ بفرمایید واژه‌های سکینه، طمأنینه، صبر و ذکر چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و در کدام بافت‌های قرآنی به مفهوم آرامش اشاره شده است؟

هریک از این مفاهیم، بُعدی از مقوله آرامش را در بستر قرآن کریم بازتاب می‌دهند. درحقیقت، آرامشی که انسان در درون خود احساس می‌کند، گاه در قالب یاد خداوند و توجه قلبی به او تجلی می‌یابد. سکینه، ناظر به آرامش روحی و درونی است و در برخی موارد به آرامش رفتاری و کرداری نیز اطلاق می‌شود، یعنی حالتی که انسان در رفتار و عملکرد خود متانت و وقار دارد.

در شرایط اجتماعی و عملیاتی، داشتن آرامش نیازمند طی مراحل و فراهم‌سازی مقدماتی است؛ در این بستر، واژه صبر به‌کار می‌رود. صبر به معنای تحمل و استقامت در مسیر تحقق اهداف است و به‌نوعی مهار نفس و کنترل واکنش‌ها در برابر دشواری‌ها به‌شمار می‌رود.

درمجموع، این مفاهیم نوعی خودکنترلی و تسلط بر رفتار فرد را بیان می‌کنند. انسانی که در مسیر هدف الهی حرکت می‌کند، هم ذاکر است، هم صاحب طمأنینه، هم صابر و هم برخوردار از سکینه؛ هریک از این واژه‌ها در بُعد روان‌شناختی، شخصیتی، اجتماعی و رفتاری ایفای نقش می‌کنند و همه زیرمجموعه مفهوم کلی آرامش الهی هستند.

■ در نگاه قرآن آرامش حالتی احساسی است و یا نتیجه یک فرآیند ایمانی و شناختی؟

آرامش هم می‌تواند جنبه احساسی داشته باشد و هم محصول یک فرآیند معرفتی باشد؛ گاهی انسان دچار هیجانات زودگذر می‌شود؛ برای مثال در مواجهه با یک حادثه، تصادف یا بحران، واکنش‌های هیجانی از خود بروز می‌دهد. در اینجا نیاز داشتن به آرامش، به معنای خونسردی و تسلط بر نفس، کاملاً مشهود است، اما در سطحی عمیق‌تر وجود آرامش حقیقی در دل آدمی، ثمره ایمان، شناخت و اتصال قلب به خداوند است؛ حسی که با ذکر الهی، اعتماد به مشیت خدا و باور به حکمت او، حاصل می‌شود.

در مسیر دستیابی به آرامش و ثبات روانی، انسان نیازمند برنامه‌ریزی درازمدت و صبر در امور اجتماعی است. فردی که هدفمند زندگی می‌کند و در پی تحقق رسالتی معنوی یا اجتماعی است، نباید از مسیر خود منحرف شود و باید همواره هدف اصلی خود را در ذهن داشته باشد. چنین فرآیندی مستلزم صبر، تدبر و ثبات قدم است.

نتایج حاصل از این تلاش‌ها، معمولاً در بلندمدت به‌دست می‌آیند. تمامی مفاهیمی همچون ذکر، طمأنینه و آرامش، به‌نوعی در این مسیر نقش‌آفرین‌اند و در تعارض با یکدیگر نیستند؛ به‌واقع هریک بُعدی از این حرکت معنوی و درونی را بازتاب می‌دهند.

■ در چه شرایطی تلاوت به‌تنهایی اثر آرام‌بخش دارد و در چه شرایطی نیاز به تدبر و تأمل معرفتی نیز هست؟

تلاوت در شرایط هیجانی نقش مهمی ایفا می‌کند. زمانی که فرد در اثر حادثه‌ای دچار اضطراب یا آشفتگی روانی می‌شود، باز کردن قرآن و تلاوت چند آیه با آرامش، می‌تواند فوراً موجب کاهش شدت هیجان و ایجاد آرامش نسبی درون او شود؛ گاه گفتن ذکر لااله‌الاالله، گاه خواندن یک دعا، گاه قدم زدن یا نوشیدن آب سرد به همراه توجه قلبی به خداوند، در کاهش بار روانی لحظات بحران، بسیار مؤثر است.

اما در شرایطی که فرد در مسیر انجام یک مسئولیت اجتماعی یا تحقق یک هدف بزرگ گام برمی‌دارد، صرف تلاوت چند آیه کفایت نمی‌کند؛ در اینجا لازم است که او بنشیند، در آیات قرآن تدبر، شیوه و سیره پیامبران را بررسی و راهبردهای آنان را کشف کند. این تأمل معرفتی و عمیق، لازمه رسیدن به آرامش پایدار در مسیر تحقق اهداف بلندمدت است. پیامبران الهی همچون حضرت عیسی، حضرت موسی و پیامبر اسلام (ص) در مسیر دعوت خود با چالش‌های فراوانی مواجه بودند و قرآن راهکارهایی برای مقابله با این موانع ارائه می‌دهد؛ راهکارهایی که تنها با تأمل و بررسی دقیق می‌توان به آن‌ها دست یافت.

■ با توجه به نمونه‌هایی مانند آرامش پیامبر در غار (سوره توبه، آیه ۴۰)، چگونه قرآن به انسان یاد می‌دهد در اوج تهدید، مرکز ثقل روانی خود را حفظ کند؟

در ارتباط با چگونگی حفظ آرامش در اوج تهدید و خطر، همچنان که در آیه ۴۰ سوره توبه ماجرای پیامبر در غار ذکر شده است، قرآن بر بازگشت به درون و تمرکز بر جوهره الهی انسان تأکید دارد. آرامش درونی از دل انسان می‌جوشد؛ جوشش از درون و بازگشت به خویشتن، کلید اصلی آرامش است. انسان وقتی در میان جامعه و مشغله‌های روزمره قرار می‌گیرد، معمولاً گرفتار سطح ظاهری زندگی می‌شود. اما زمانی که به خلوت می‌رود، همچون پیامبر اسلام که در دوران پیش از بعثت به غار حرا می‌رفتند و در تنهایی به تأمل و عبادت می‌پرداختند، امکان تصمیم‌گیری عمیق و بنیادین فراهم می‌شود. وحی الهی نیز در همین شرایط سکوت، خلوت و اتصال درونی بر پیامبر نازل شد.

چنین خلوت‌ها و فرو رفتن‌های تأمل‌گرانه در خویشتن، عامل مهمی در تقویت اعتماد به نفس، ثبات قدم و عزمی راسخ در مسیر زندگی است. افرادی که توانسته‌اند در زندگی به موفقیت‌های بزرگ دست یابند، همگی دوره‌هایی از خلوت، مراقبه، خودشناسی و در خود فرو رفتن را تجربه کرده‌اند. این مراحل زمینه‌ساز حرکت‌های بزرگ و الهام‌بخش در زندگی فردی و اجتماعی ایشان بوده است.

نشستن در خلوت و دوری از هیاهوی جامعه، یکی از شرایط اساسی برای پرورش اندیشه‌های عمیق و خلاقیت‌های ماندگار است. شخصیت‌هایی که در تاریخ علم و فرهنگ نام‌آور شدند، همگی دوره‌هایی از خلوت، تمرکز، مطالعه و تجربه را پشت سر گذاشته‌اند؛ برای مثال کسی که کشف نیروی برق را به سرانجام رساند، سال‌ها در گوشه‌ای از کتابخانه یا کارگاه خود مشغول بررسی و آزمایش بود. این دستاوردها در بستر شور و هیاهوی اجتماعی حاصل نمی‌شوند، بلکه در سایه سکوت، کناره‌گیری، شکست‌های پیاپی و تکرار مداوم است که ذهن انسان به بلوغ و باروری می‌رسد.

مخترعان و دانشمندان بزرگ زمانی به کشف‌های بزرگ نائل شدند که در خلوت خود، مسیرهای مختلف را آزموده، ناکامی‌ها را پذیرفته و دست از تلاش برنداشتند؛ این عزلت و تمرکز، بخشی از فرآیند تربیت شخصیت‌های بزرگ است که نمود اجتماعی آن در مراحل بعدی ظاهر می‌شود.

نمونه بارز دیگری از این حقیقت را در زندگی سعدی شیرازی می‌توان یافت؛ وی شاعری بود که اشعارش زبانزد خاص و عام بودند. حاکم شیراز در اواخر عمر سعدی از او خواست در دربار مشغول به کتابت و نگارش مکاتبات رسمی شود، اما سعدی این دعوت را نپذیرفت و گفت: من نمی‌خواهم نتیجه عمرم را در خدمت شما بگذارم. او خانقاهی در بیرون از شهر یافت، پوست و کوزه‌ای برداشت و در گوشه‌ای نشست. در همان خلوت بود که دو اثر گران‌قدر خود، گلستان و بوستان را پدید آورد و آن‌ها را به جامعه انسانی تقدیم کرد.

اگر آن دو سه سال عزلت پایان عمر سعدی نبود، شاید نه گلستان داشتیم و نه بوستان. حافظ نیز همین‌گونه بود؛ نوا و سوز و گدازی که در اشعار او موج می‌زند، نشانگر تنهایی‌ها و خلوت‌های عمیقی بوده که در آن‌ها اندیشه ورزیده و شعر سروده است. اگر آن عزلت‌ها نبود، حافظی ماندگار نیز در تاریخ ادبیات نداشتیم.

درواقع هر کسی در هر زمینه‌ای اگر بتواند در خود فرو رود و به تأمل و اندیشه بپردازد، ذهنی خلاق خواهد یافت و می‌تواند آثاری ماندگار از خود برجای بگذارد؛ خلوت، بستر بالندگی روح و اندیشه است.

■ در قرآن آمده است الا بذکرالله، تطمئن القلوب، منظور از ذکر در این آیه چیست و چه ویژگی‌هایی دارد که موجب طمأنینه قلبی می‌شود؟

ذکر الله آرامش‌بخش قلب‌ها بوده، زیرا انسان ذاتاً فقیر و نیازمند است. چنان که قرآن می‌فرماید: أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ؛ یعنی شما نیازمند خدایید. در مقابل، خداوند غنی و بی‌نیاز مطلق است. زمانی که انسانِ فقیر به درگاه خدای غنی رو می‌آورد و به او متصل می‌شود، آرامش می‌یابد.

این اتصال، همچون قطره‌ای است که به دریا می‌پیوندد؛ تا زمانی که قطره از دریا جدا است، با یک وزش باد یا تابش آفتاب، نابود می‌شود. اما هنگامی که به دریا ملحق شد، دیگر نگران نابودی نیست؛ زیرا بخشی از دریا و جاودانه است. انسان نیز وقتی به یاد خدا و ذکر او متصل شد، در درون خود احساس امنیت، آرامش و قدرت می‌کند.

همین معنا را در ماجرای حضرت موسی نیز می‌توان دید؛ آن‌گاه که از همه‌جا رانده شده و به شهر مدین پناه می‌برد، با همه سختی‌ها و بی‌پناهی‌ها، وقتی به یاد خدا می‌افتد و به درگاه او پناه می‌برد، آرامش می‌یابد و نیروی تازه‌ای در وجود خود احساس می‌کند.

حضرت موسی پس از فرار از مصر به‌دلیل تهدید فرعونیان، وارد سرزمین مدین شد. در آنجا کنار سایه دیواری نشست و درنهایت خضوع و نیازمندی عرضه داشت: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ یعنی خدایا، من نیازمند هر خیری هستم که تو برای من فرو فرستی. این دعا نشانگر اوج فروتنی و توسل حضرت موسی به درگاه خدای متعال است. او در آن لحظه بحرانی، خود را کاملاً نیازمند عنایت الهی می‌دید و به خدا پناه برد. در پی این دعا، گشایشی الهی برای او رقم خورد؛ داستان دختران حضرت شعیب پیش آمد که برای آب دادن به گوسفندان آمده بودند و این دیدار مقدمه‌ای شد برای آشنایی حضرت موسی با حضرت شعیب که به‌عنوان استاد و مربی، آموزه‌های مهمی را طی ۸ یا ۱۰ سال اقامت در مدین به او آموخت. این تجربه‌ها مقدمه‌ای برای بعثت حضرت موسی و پذیرش رسالت الهی شدند و درنهایت او به مقام کلیم‌اللهی رسید.

داستان‌های انبیا در قرآن، همچون داستان حضرت موسی، همگی آموزنده‌اند. همچنین اگر حضرت یوسف به جایگاه والا رسید، به‌دلیل پناه بردن به خدا و داشتن قلبی ذاکر بود. اگر حضرت یعقوب به مرتبه‌ای رفیع دست یافت، به‌واسطه اتکال به خداوند و صبری بود که در فراق فرزندش داشت. حضرت ایوب نیز به‌دلیل تحمل سختی‌ها و بلاها و توکل بر خدا، در تاریخ ایمان نمونه شد. این‌ها همه درس‌هایی از قرآن هستند که پیام اصلیشان آن است که أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ قلب انسان تنها با یاد خدا به آرامش می‌رسد. انسان با ذکر خدا، رنگ جاودانگی می‌گیرد، از وابستگی‌های فانی فاصله می‌گیرد و به مقام انسان تراز الهی بر بستر فطرت پاک و الهی نائل می‌شود.

■ آیا علاوه‌بر ذکر زبانی می‌توان انجام عمل صالح را نیز ذکر خداوند دانست؟

ذکر زبانی تنها یکی از نمودهای ذکر است؛ تسبیح، تهلیل، تحمید و گفتن اذکار لفظی مانند لاإله‌إلاالله و سبحان‌الله، در این دسته جای دارند؛ اما ذکر حقیقی و عمیق آن است که دل انسان ذاکر شود، یعنی با تمام وجود توجه‌اش به خداوند معطوف باشد. زمانی که دل متوجه خداوند شد، اعمال، رفتار و حتی افکار انسان رنگ الهی می‌گیرند. در این حالت، همه‌چیز انسان از گفتار و کردار گرفته تا تصمیم‌گیری‌ها، جلوه‌ای از ذکر خواهد بود.

در دعای کمیل، حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از خداوند چنین می‌خواهد: وَاجْعَلْ أَعْمَالِي كُلَّهَا وِرْداً وَاحِداً وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً؛ خدایا، همه اعمال مرا به یک ذکر و یک آهنگ بدل کن و حال من را در خدمت تو همیشگی قرار ده. در این مقام، انسان ذاکر واقعی کسی است که همه وجودش در مسیر بندگی و خدمت به خدا قرار دارد.

■ توکل در بحث آرامش از منظر قرآن چه تعریف و جایگاهی دارد و چگونه می‌توان به این ویژگی دست یافت؟

توکل به معنای واگذار کردن امور به خداوند است. توکل یک نوع ایمان عملی بوده؛ یعنی انسان با تمام وجود باور دارد که آنچه نزد خدا است، بهتر از آن چیزی بوده که خود او می‌جوید. توکل نه به معنای کنار گذاشتن تلاش، بلکه همراه ساختن تلاش با اعتماد قلبی به تدبیر الهی است. در پرتو توکل، دل انسان از اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دلهره‌ها آزاد می‌شود. زیرا می‌داند پشتیبانی دارد که قادر مطلق و دانای کامل است.

در قرآن آمده است: وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هرکس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد؛ بنابراین، دستیابی به آرامش حقیقی، از مسیر ذکر و توکل عبور می‌کند، ذکری که قلب را به یاد خدا متصل و توکلی که دل را از وابستگی‌ها آزاد و به قدرت لایزال الهی واگذار می‌کند.

توکل، تنها یک حالت روحی و قلبی نیست، بلکه جنبه‌ای کاملاً عملی و اجتماعی نیز دارد. انسان متوکل همواره فقر و نیازمندی خود را نسبت به خداوند در نظر دارد و در تمامی مراحل زندگی، از خداوند استمداد می‌طلبد. این نوع توکل، مخصوصاً پس از مرحله تصمیم‌گیری قلبی و روحی، در صحنه عمل جلوه‌گر می‌شود.

در میدان عمل، راه همیشه هموار نیست. مسیر رسیدن به اهداف دنیوی و اجتماعی، مراحل متعددی دارد و با پیچ‌وخم‌ها، سختی‌ها و فرازوفرودها همراه است. در این مرحله، توکل یعنی انسان پس از آنکه نیت و تصمیم قلبی خود را با یاد خدا تثبیت کرد، با توسل به او، گام در مسیر عمل بگذارد و بداند که خداوند خود راه را به او نشان خواهد داد. به تعبیر شاعر عطار نیشابوری که می‌گوید:

تو پای در راه بنه هیچ مپرس/ خود راه بگویدت که چون باید رفت.

کسی که هدفی بلند در زندگی دارد، خواه بخواهد پزشک شود و خواه مهندس، مخترع، مکتشف و یا خدمتگزار مردم، نیازمند عزمی راسخ و توکلی حقیقی است. توکل واقعی آن است که انسان پس از تصمیم‌گیری، با استعانت از خدا حرکت کند، در برابر شکست‌ها و دشواری‌ها مأیوس نشود و با همتی بلند راه را ادامه دهد.

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند به جایی رسیده‌اند